قسمت اول

نگاهی به تخریب‌هایی که بافت مرکزی شهر را تغییر داده‌اند

چهره دگرگون مشهد در آغاز قرن چهاردهم

بیات

تاریخ می گوید رشد شهری که به‌واسطه وجـود مرقد مطهر حضرت رضا (ع) شکل می گیرد تا قرن هفتم که بر اثر هجوم مغول شهرهای بزرگی چون طوس و نیشابور ویران می‌شوند، چندان محسوس نیست. ازاین‌پس است که زمینه رشد و توسعه شهری به نام مشهد فراهم می‌شود. باروی کارآمدن صفویه و رسمی شدن مذهب شیعه در ایران رشد شهر سرعت بیشتری می گیرد. حصار اصلی شهر و خیابان‌های بالا و پایین خیابان در همین دوره از سوی شاه‌عباس صفوی ساخته می‌شوند. تخریب‌هایی که به‌منظور احداث این دو خیابان صورت می گیرد درواقع نخستین تخریب‌هایی است که بافت مرکزی مشهد تجربه می کند و اطلاعات چندان زیادی از آن در دست نیست. پس از آن بافت مرکزی شهر به‌واسطه اجرای طرح‌های شهری چند تخریب گسترده را تجربه می کند؛ تخریب‌هایی که اولینش در دهه اول قرن گذشته و برای شکل گیری خیابان فلکه و احداث خیابان‌های جدید طبرسی و تهران (امام رضا (ع) فعلی) بر بافت قدیم شهر است. با احداث دو خیابان مذکور، نقش فلکه در امر تسهیل عبور و مرور کامل می‌شود و به عبارتی چهار جهت شهر با فلکه ارتباط برقرار می کنند.



خیابان فلکه و خیابان‌های طبرسی و تهران در این عکس هوایی به خوبی قابل تشخیص هستند. عکاس محمد صانع، سال ۱۳۳۲



مهندس کریم طاهرزاده بهزاد
یکی از طراحان فلکه حضرت

بناهای مهم تخریب‌شده در جریان احداث خیابان فلکه

در جریان احداث فلکه، بازار سراسری مشهد که نخستین‌بار در زمان شاه‌عباس اول با احداث صحن عتیق رضوی به دو قسمت تقسیم شده بود، دوباره تقسیم‌بندی می‌شود. همچنین مدرسه فاضل‌خان و قبرستان‌های عیدگاه و قتلگاه (بخشی از آن تسطیح و باغ رضوان می‌شود) به طور کامل تخریب می شوند.

پیش‌از آغاز قرن

شاه‌عباس در سال ۱۰۱۶ هجری قمری به مشهد مسافرت می‌کند و دستور خریداری آب چشمه‌گلسب (چشمه گیلاس) و احداث خیابانی در شهر مشهد و انتقال آب مزبور را به خیابان تازه‌ساز صادر می‌کند. این اقدام ظاهرا تا سال ۱۰۲۱ یا ۱۰۲۳ ق طول می‌کشد. طول این خیابان از دروازه بالاخیابان تا در صحن ۱۹۵۰ ذرع و از دروازه پایین خیابان تا در صحن ۸۵۰ ذرع بوده است و یک طرف صحن هم تا طرف دیگر آن ۱۰۰ذرع طول داشته که جمعا حدود۳هزارو۵۰۰متر می‌شود. عرض خیابان عباسی هم که نهر آب از میانش می‌گذشته، از ۲۲ ذرع تا ۲۸ ذرع بیان شده است. تا آن زمان تنها در قزوین و هرات چنین گذرگاهی با عنوان خیابان وجود داشته، ازاین‌رو احداثش چهره کالبدی مشهد را کاملا دگرگون می‌کند.

نخستین تغییر قرن

اگرچه از اواخر دوره قاجار تحولات محسوسی در شهر مشهد شروع شده ولی در دوره پهلوی اول است که یکی از تحولات مهم کالبدی - ساختاری شهر مشهد کلید می‌خورد. حمله‌های پی‌درپی دشمنان شمالی و شرقی، شهر مشهد را به‌گونه‌ای شکل داده بوده که بیش از هر چیز کوچه‌های کج و پیچاپیچ ممتد و دالان‌ها و بازارهای طویل و مسقف دارد. این ساختار شهری تا اوایل قرن پیش بدون هیچ تغییری برقرار بوده است که افزایش جمعیت مشکلات رفت‌وآمدی بسیاری را به‌خصوص در هسته مرکزی شهر و اطراف حرم پدید می‌آورد. در این دوران مشهد فقط بالاخیابان پایین خیابان را داشته که آن‌ها هم بن‌بست بوده‌است و مردم برای رفتن از بالاخیابان به پایین خیابان باید از بست بالا وارد صحن می‌شده‌اند و بعد از طرف بست پایین به پایین خیابان می‌رفتند. چنین امکانی البته فقط برای عابران پیاده ممکن بوده است و اگر فردی دوچرخه، درشکه یا حیوانی همراه خود داشته به‌واسطه ممنوعیت ترددشان در صحن حرم مطهر باید مسیر طولانی و پرپیچ‌وخم و کوچه پس‌کوچه‌های نوغان، سیاه آب (سیابون) یا محله ملک، چهارباغ، سرشور، حوض نو و عیدگاه را می‌پیموده است.

خیابانی برای مشهد جدید

مهندس کریم طاهرزاده بهزاد که یکی از مشاوران و طـراحـان ایـن طـرح اسـت، وضعیت اطـراف ساختمان‌های حرم مطهر و قبرستان را این گونه توصیف کرده است «به اندازه‌ای تأسف‌آور بود که بهداشت مشهد را دچار خطر می‌کرد» از سوی دیگر مشهد در حال گسترش و ترقی است و نیاز به خیابان‌هایی جدید برای شهر احساس می‌شود برای همین در روزهایی که استانداری خراسان برعهده محمود جم است و نیابت تولیت آستانه نیز بر ذمه محمدولی‌خان اسدی، تصمیم بر احداث یک خیابان و فلکه‌ای بر گرد حرم گرفته می‌شود که خودروها و درشکه‌ها نیز بتوانند در آن تردد داشته باشند. این تصمیم طی سفر رضاشاه در سال ۱۳۰۷ خورشیدی به مشهد گرفته می‌شود و برای اجرای آن، پوشاندن نهر و عقب کشی مغازه‌ها نخستین قدم است. روزنامه اطلاعات در ۲۲ خرداد ۱۳۰۷ نوشته است «برای ساختمان نهر وسط خیابان علیا و سفلی در مشهد، بلدیه آنجا شروع به اقدام نموده و مخارج آن را مهندسان برآورد نموده‌اند؛ هر ذرعی ۱۰ تومان مخارج دارد، سه ربع مخارج را از طرف آستانه و یک ربع دیگر را بلدیه پرداخت خواهد کرد.»

نیم‌دایره‌های شمالی و جنوبی

پروژه احداث فلکه به دو فاز تقسیم می‌شود، یکی خیابان فلکه شمالی و دیگری خیابان فلکه جنوبی. بناست خیابان فلکه شمالی، بالاخیابان را از طریق ضلع شمالی حرم مطهر به پایین خیابان متصل کند. روزنامه آزادی منتشر شده مشهد در ۳ شهریور ۱۳۰۸ می‌نویسد: «چون در نظر است که خیابان فلکه از پشت صحن کشیده شود و خیابان علیا به خیابان سفلا از طرف قبرستان قتلگاه وصل شود، پریروز آقای رئیس بلدیه به معیت مهندس آستانه به محل مزبور رفته و پس از معاینه بیرق‌های خرابی را در محله‌های معینه که امتداد خیابان فلکه می‌باشد، نصب کرده‌اند.» این روزنامه هشت روز بعد وقتی مالکان حجره‌ها روی نهر نادری را با چوب پوشانده و مغازه‌هایی موقت برای خودشان می‌سازند نیز چنین سیاهه می‌کند: «نظر به اینکه در بالاخیابان از دم بست تا اول کوچه چهارباغ مشغول خراب‌نمودن دکاکین هستند، کسبه روی جوی خیابان را دکان چوبی درست کرده‌اند و مشغول کسب می‌باشند و نیز از دیشب شروع به خراب کردن ساختمان‌هایی که در معبر خیابان فلکه واقع است، کرده‌اند.» در نهایت کار فاز اول یا همان فلکه شمالی با عرض ۳۰ گز و طول ۵۸۰ گز در همین سال به پایان می‌رسد. جشن افتتاح فاز اول خیابان فلکه (بخش شمالی) به نقل از روزنامه اطلاعات، ۲۸ مهر ۱۳۰۸ است.

پس از افتتاح ضلع شمالی، کارها برای پایان طرح فاز دوم (قسمت جنوبی فلکه) سرعت می یابد. خیابان فلکه جنوبی هم به شکل نیم‌دایره است و بناست بالاخیابان را از طریق ضلع جنوبی حرم به پایین‌خیابان متصل کند. روزنامه آزادی در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۰۸ در خبری کوتاه گزارش می‌دهد که «خرابی ساختمان‌های طول خیابان فلکه جنوبی ادامه دارد.» اما این بخش که از طرف اداره بلدیه احداث می‌شود به‌سرعت قسمت شمالی پیش نمی‌رود و افتتاح آن چند سالی زمان می‌برد تا در نهایت در سال ۱۳۱۱ ش به عرض ۳۰ گز و طول ۶۵۶ گز افتتاح می‌شود. مهم‌ترین دلیل این تأخیر نیز تملک منازل مسکونی و مغازه‌های بسیار در مسیر طرح است.

فلکه به روایت سازنده

محمدولی‌خان اسدی، نایب‌التولیه آستان قدس، در گزارشی که درباره ساخت این فلکه به دربار داده، چنین نگاشته است: «در طول شهر مشهد، خیابان قدیمی است که مرحوم شاه‌عباس به عرض ۲۸متر کشیده بود... و چون بعضی عمارات آستان قدس ازقبیل صحن مقدس عتیق و دو بست طرفین آن در وسط خیابان مذکور واقع و قسمت شرقی و غربی خیابان را قطع و عبور وسایل نقلیه غیرممکن بود و در جنبین بست‌ها نیز کوچه و خیابان دیگری که بتواند عبور وسایل نقلیه را از قسمتی به قسمت دیگر ممکن سازد، نبود و احتیاج مبرمی به وجود چنین خط ارتباطی حس می‌شد، حسب‌الامر نقشه‌ای برای افتتاح خیابانی به شکل نیم‌دایره که از دو طرف بست، این خیابان مهم را (که بالاخیابان و پایین خیابان نامیده می‌شود) به هم مرتبط سازد، تهیه و تمام منازل ذی‌قیمت و مستغلات که در عرض این خیابان و طرفین آن واقع می‌شد، به خرج آستان قدس به قیمت اعلی ابتیاع و بعد از خرابی آنچه واگذار می‌شد حواشی، برای ایجاد مستغلات به قیمت عادلانه به نفع آستان قدس به فروش رفت و بدون اینکه صندوق آستان قدس تحمل ضرری بکند، خیابانی زیبا و ضروری احداث گردید که فعلا موسوم به خیابان فلکه شمالی است و بعدا نیز حسب‌الامر مبارک در مقابل آن از طرف جنوب، عین این خیابان از طرف بلدیه کشیده شد که هنوز مشغول ساختمان اطراف آن هستند و موسوم به فلکه جنوبی است.»

خرابی‌ها و ساخته‌ها

ازآنجاکه مرکز و کانون شهر، حرم حضرت امام‌رضا (ع) است، بیشتر تجارت خانه‌ها و کاروان‌سراها در اطراف حرم متمرکز هستند. همچنین بیشتر بازارها، گذرها، کوچه‌ها، مدارس، مساجد، حمام‌ها و مسافرخانه‌ها، ازاین‌رو هنگام احداث فلکه، تعدادی از این اماکن تخریب می‌شود که از همه مهم‌تر مدرسه مرحوم فاضل‌خان است که در آن ایام یکی از مدارس معموره مشهد به‌شمار می‌رفته است؛ البته در مقابل خود فلکه، موقعیت ممتازی پیدا می‌کند و در طرفین آن ساختمان‌های دوطبقه زیبا ساخته شده، مسافرخانه‌های بسیار و مهمان‌خانه‌های مجللی تاسیس می‌شود. همچنین کاروان‌سراها، بنگاه‌های مسافربری، فروشگاه‌ها و مراکز اقتصادی و تجارتی نوینی در آنجا شروع به کار می‌کنند.

احداث خیابان تهران

خیابان تهران هم به طول هزارو ۷۰۰ متر و عرض ۳۰متر هم‌زمان با احداث فلکه حضرتی در سال ۱۳۱۱ خورشیدی افتتاح می‌شود. این خیابان بعدا به صورت یکی از خیابان‌های آباد و زیبای منتهی به حرم مطهر درمی‌آید. از ویـژگـی هـای مهندسی و طراحی این خیابان، آن است که وقتی واردش می‌شویم، گلدسته‌های حرم را -با اینکه در طرفین گنبد مطهر نیستند- به شکل زیبا و باشکوهی در طرفین آن می‌بینیم.



احداث خیابان طبرسی

پیش‌از احداث خیابان طبرسی، گذرگاهی که این محله را به محله‌های دیگر شهر مربوط کند و راه عبور آسان وسایل حمل‌ونقل باشد وجود ندارد، ازاین‌رو در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی خیابانی به نام طبرسی از وسط فلکه شمالی طراحی می‌شود که از محله نوغان عبور می کند و به خارج شهر منتهی شود. این خیابان با عرض ۲۸گز و طول ۴۸۰گز تا راسته بازار نوغان، در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی افتتاح می‌شود.







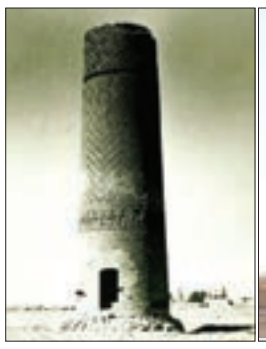


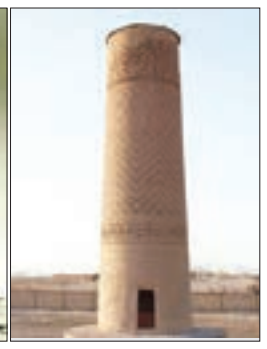
تصویری از ساختمان‌سازی بناهای اطراف خیابان فلکه

خراسان نامه

گذری بر تاریخ یکی از یادگارهای میراثی خراسان

مناره فیروزآباد







دکتر رجبعلی لباف‌خانیکی
باستان‌شناس و استاد دانشگاه

روستای فیروزآباد در فاصله ۱۷ کیلومتری جنوب شهر بردسکن و در بخش شهرآباد واقع شده است. در سمت غربی روستای فیروزآباد محوطه باستانی بسیار وسیعی گسترده شده که بی‌تردید خرابه‌های شهر «ترشیز» مرکز منطقه «بُشت» از مضافات نیشابور قدیم است.

ترشیز شهری مهم بر سر راهی بوده که شهرهای جنوب‌غرب و جنوب ایران را به خراسان ارتباط می‌داده است.

با توجه به موقعیت ترشیز و روایت‌هایی از وجود آتشکده‌ای عظیم و داستان حماسی و ملی «سرو کشمر» در گستره آن ولایت، قابلیت این را داشته که بسیاری از جغرافیانویسان و مورخان به جایگاه والای آن شهر اشارتی داشته باشند از جمله: «ابن خردادبه» در اواخر قرن سوم هجری قمری از آن به‌عنوان منزلی بر سر راه شیراز به نیشابور نام برده و «ابن‌حوقل» در اواسط قرن چهارم هجری قمری آن شهر را شهری زیبا، پربرکت و پرجمعیت در شمار شهرهای بزرگ آن روزگار و هم‌ردیف با شهرهای زرنج، قاین، طبسین، دامغان، اصفهان و ری دانسته است. «مقدسی» در قرن چهارم هجری قمری نیز ترشیز را منزلی مهم بر سر راه نایین و یزد به خراسان نام برده است.

«حمدا... مستوفی» هم در اواسط قرن هشتم هجری قمری ترشیز را شهری با حصاری به‌غایت حصین معرفی کرده و «حافظ ابرو» در اوایل قرن نهم هجری قمری آن را ناحیتی بزرگ با قلعه‌ای مستحکم دیده است و...

از چنان شهر باعظمتی، اکنون بقایای برج و بارو و تپه‌ماهورهای حاصل از انهدام ارگ و فضاهای متعدد و متنوع شهری باقی‌مانده است که سخت آسیب‌پذیرند. تنها اثر معماری بر جای‌مانده از دوران شکوه و عظمت ترشیز در دوره سلجوقیان، بخشی از یک منار است که مانند منارهای خسروگرد سبزوار و منار مجاور مسجد تاریخانه دامغان و منار کنار مسجد جامع سمنان، هم‌یک نماد مذهبی بوده، هم‌یک عنصر اطلاع‌رسانی و رسانه محسوب می‌شده و هم‌یک عنصر و نماد تزیینی و فرهنگی در حاشیه شهر پرآوازه ترشیز بوده است.

«مناره ترشیز» که اکنون به «برج فیروزآباد» شهرت دارد، بنای آجری زیبای استوانه‌ای‌شکل به بلندای حدود ۲۴متر بوده که اکنون ۱۸ متر آن باقی‌مانده است. از سمت شرقی مناره درگاهی به درون باز شده است و به پلکان مارپیچ درون آن منتهی می‌شود که تا رأس مناره راه داشته و به جان‌پناه فراز مناره می‌رسیده است. روزنه‌های مستطیل شکلی بر بدنه مناره تعبیه شده تا به راه‌پله نور برساند.

قاعده آن بر روی سکوی آجری دایره به ارتفاع کمتر از یک‌متر استقرار یافته و معمار چیره‌دست کوشیده است در حد امکان با آرایه‌های متنوع آجری، آن را زیبا و چشم‌نواز جلوه دهد.

بدنه مناره از ابتدا تا ارتفاع شش‌متری با آجرهای جفتی و به شیوه «حصیری» نماسازی شده و بالاتر از آن یک رشته کتیبه کوفی زیبا در میان قابی تزیینی بدنه مناره را دور زده است. تا هشت‌متر بعد از کتیبه آجرهای خفته راسته بدنه را به‌طور زیگزاگ آراسته و سپس زیگزاگ‌ها به لوزی‌های مکرر منتهی شده‌اند. بر بدنه غربی مناره در این بخش یک کتیبه کوفی عمودی نقش بسته است. بالاترین بخش تزیینی بدنه مناره تزیینات در هم تنیده کتیبه‌مانند است که بسیار زیبا اجرا شده و احتمالا بخش زیادی از بدنه مناره را زینت می‌داده که متأسفانه منهدم شده است.

شیوه معماری رازی در عصر سلجوقیان به معمار اجازه داده تا در این مناره نیز با استفاده از آجرهای کوچک و بزرگ نقش‌های متنوع بیافریند. در سال‌های اخیر به همت اداره کل میراث فرهنگی خراسان مرمت‌هایی در بنا انجام شده و از فرسایش بیشتر پیشگیری شده است. ناگفته نماند مناره فیروزآباد در پانزدهم دی ۱۳۱۰ خورشیدی به شماره ۹۱۰ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

ایران نامه

روزی که تلویزیون به ایران آمد

طوبی اردلان

سوم تیرماه ۱۳۳۷ مجلس شورای ملی، ماده‌ای با چهار تبصره را به تصویب رساند که براساس آن به دولت اجازه داده می‌شد یک فرستنده تلویزیون و همه ابزار فنی آن را به تشخیص وزارت پست و تلگراف و تلفن، در تهران به کار اندازد. نخستین فرستنده ایران در ساعت ۵ بعدازظهر روز جمعه یازدهم مهرماه ۱۳۳۷، اولین برنامه خود را پخش کرد. این فرستنده که «تلویزیون ایران» نام گرفت، به‌طور یک بخش کاملاً خصوصی اداره می‌شد و متکی به درآمد خود از آگهی‌های تجاری و تبلیغی بود و هر روز از ۶ بعدازظهر تا ساعت ۱۰ شب برنامه داشت. پس از یک‌سال این سازمان برنامه‌های روزانه خود را در تهران به پنج ساعت افزایش داد و در سال ۱۳۴۰، فرستنده دیگری در آبادان و یک فرستنده تقویتی هم در اهواز تأسیس کرد. رونق کار تلویزیون ایران و شناسایی این رسانه به‌عنوان ابزار نشر فرهنگ و تبلیغات، دولت ایران را به فکر جدی تأسیس یک مؤسسه تلویزیونی انداخت. در سال ۱۳۴۳ یک گروه فرانسوی از سوی سازمان برنامه و بودجه، مأمور بررسی و طراحی یک مرکز تلویزیونی شد. سرانجام پس از تصویب طرح ایجاد تلویزیون ملی ایران، یک دستگاه کوچک به وجود آمد و با امکاناتی ساده، پخش برنامه‌های آزمایشی را در سال ۱۳۴۵ آغاز کرد. پس از مدتی کمتر از دو سال، در هفدهم مرداد ۱۳۴۷، نخستین مرکز شهرستانی تلویزیون در ارومیه افتتاح شد و چند ماه بعد، مرکز تلویزیون بندرعباس شروع به کار کرد و فعالیت مراکز تلویزیونی به‌تدریج یکی پس از دیگری آغاز شد. پس از مدتی دولت، تلویزیون ایران را از «ثابت پاسال» خرید و با پیوستن تلویزیون ایران به تلویزیون ملی، پخش دو برنامه تلویزیونی از دو کانال مختلف ادامه یافت. در سال‌های ۵۵ و ۵۶ پس از تصویب ساخت کلی، مسئولان سازمان به طراحی زیرنظام‌های اداری، مالی، برنامه‌های حقوقی و دستمزد و مشابه آن پرداختند و شبکه‌های اول و دوم رادیو و تلویزیون به اضافه رادیو و تلویزیون بین‌المللی ایجاد شدند. این ساخت و نظام‌های مربوط به آن تا به‌ثمررسیدن انقلاب اسلامی ایران ادامه داشت.